

اهمیت و نقش نیروهای نظامی در امدادرسانی در بلایای طبیعی

The importance and role of military forces in natural disaster relief

علیرضا جلالی فراهانی، سید رضا حسینی ذیجود*

Alireza Jalali Farahani, Seyed Reza Hosseini Zijoud*

دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران

Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran

سرمقاله

با افزایش بروز بلایای طبیعی، می‌توان انتظار داشت که نیروهای نظامی از نقش بزرگی در امدادرسانی برخوردار باشند، به ویژه در بلایای بزرگ، که ظرفیت سازمان‌های مدنی و بشردوستانه همچون صلیب سرخ و هلال احمر ممکن است محدود باشد. از سویی، سازمان‌های مدنی و بشردوستانه معمولاً برای پاسخ مؤثر و سریع در بلایای طبیعی مناسب نیستند. زیرا که انضباط و کارایی اولین نیاز در پاسخگویی به فاجعه و اجرای وظایف امدادی است که اغلب مأموریت‌های خطرناکی هستند و سازمان‌های نظامی آمادگی‌های بیشتری را در این زمینه دارند. از طرفی، حوزه‌هایی وجود دارد که نیروهای نظامی بدون شک در آنها، قابلیت‌های منحصر به فرد دارند، حوزه‌هایی همچون حمل و نقل، تدارکات و توانایی برای کمک‌رسانی فوری و تخلیه افراد از محل فاجعه از این موارد است که به نظر کارشناسان، در سیل سال ۲۰۱۰ در پاکستان، انجام حمل و نقل هوایی توسط بالگردهای نظامی، با ممانعت از ائتلاف وقت در امدادرسانی، باعث کاهش تعداد تلفات گردید (۳،۴).

با این وجود هنوز هم در مواردی، اختلاف نظر قابل توجهی میان دولت‌ها و سازمان‌های بشردوستانه وجود دارد، در مورد اینکه چقدر این قابلیت‌های سازمان‌های نظامی در امدادرسانی در برابر با مسائلی مانند هزینه‌ها، خطر تسلیحاتی و تاثیر نیروهای خارجی بر امنیت و آزادی سازمان‌های غیرنظامی برای فعالیت، مؤثر است. با این وجود، برخی از دولت‌ها، از جمله انگلستان، بودجه جداگانه‌ای را به هزینه‌های نظامی مرتبط با کمک‌های بشردوستانه در نیروهای نظامی اختصاص می‌دهد. از سوی دیگر در بسیاری از جوامع پیشرفته، برای سازمان‌های بشردوستانه دیگر این سوال مطرح نیست که آیا با سازمان‌های نظامی در امدادرسانی‌ها همکاری و تعامل کنند یا خیر، بلکه سوال اساسی این است که چگونه و چه زمانی باید وارد همکاری و تعامل با سازمان‌های نظامی شوند (۳،۴).

با توجه به استفاده روز افزون از منابع نظامی در امدادرسانی در هنگام بلایای طبیعی، هماهنگی بین نیروهای انسانی

اگرچه همکاری سازمان‌های نظامی در عملیات امدادرسانی امر جدیدی نیست (امداد هوایی در برلین در سال ۱۹۴۸)، با این وجود رسمیت یافتن تعاملات سازمان‌های نظامی در فعالیت‌های امدادرسانی از اوایل دهه ۱۹۹۰ آغاز شده و روند رو به رشد داشته و خیلی زود مقبولیت یافته است. منابع نظامی در امدادرسانی‌ها پس از طوفان موسمی سال ۱۹۹۱ در بنگلادش و طوفان Mitch در آمریکای مرکزی در سال ۱۹۹۸ مورد استفاده قرار گرفته است. ارتش ایالات متحده از نیروهای نظامی در امدادرسانی در طوفان کاترینا در سال ۲۰۰۵ استفاده نمود. ارتش انگلیس برای کمک به سیل زدگان در بریتانیا در سال ۲۰۰۷ وارد عمل شد. تعداد زیادی از نیروهای نظامی چینی پس از زمین لرزه در استان سیچوان در سال ۲۰۰۸ به امدادرسانی پرداختند و در استان آسیب دیده، مستقر شدند. در زلزله سال ۲۰۱۰ در هائیتی، که بزرگترین مأموریت فاجعه در تاریخ نظامی ایالات متحده محسوب می‌شود، نیروهای نظامی آمریکا در امدادرسانی مشارکت داشتند (۱).

عوامل گوناگونی باعث افزایش تمایل سازمان‌های نظامی به امدادرسانی در فجایع و بلایای طبیعی در سراسر دنیا شده است: اول اینکه امدادرسانی به مردم در این موقعیت‌ها، می‌تواند تصویر سازمان‌های نظامی را در اذهان عمومی بهبود بخشد و فرصت‌های آموزشی برای نیروهای نظامی فراهم کند و شاید بعنوان عاملی در سایه، سازمان‌های نظامی بتوانند با ارائه چنین نقشی، دولت‌ها و ملت‌ها را برای دریافت و اختصاص بودجه‌های نظامی متقاعد نماید.

در بسیاری از کشورها، آمادگی برای عملیاتی‌های غیر از جنگ که یکی از مهمترین آنها، بلایای طبیعی است، بخش مهمی از آموزش نظامی در سازمان‌های نظامی می‌باشد. امروزه اکثر ارتش‌های مدرن بخش مهمی از برنامه‌های خود را به امدادرسانی اختصاص داده‌اند و از واکنش سریع و انجام کمک‌های پزشکی، پشتیبانی لجستیکی، ترافیک هوایی، توزیع کمک، حفاظت و بازیابی در بلایای طبیعی در مقیاس جهانی برخوردار شده‌اند (۲).

به امداد در سیل و زلزله، نقش آفرین و موثر بوده و در این زمینه مقبولیت مردم را نیز در پی داشته است. بسیاری از سازمانهای بشردوستانه به این درک رسیده اند که سازمانهای نظامی می‌تواند در امداد رسانی‌ها در بلایای طبیعی نقش مهمی داشته باشد. با توجه به موثر بودن نقش نیروهای نظامی در امداد رسانی‌ها، بنظر می‌رسد که در سطح سیاستهای کلی، سازمان‌های بشردوستانه بایستی پیرو دکترین نظامی باشند و از اجرای دستورالعمل‌های موجود و توسعه ابزارهای پیشرفته جهت امداد رسانی و تعامل با یکدیگر حمایت کنند.

در ایران؛ روابط مدنی-نظامی در سطح کلی (مدیریتی و رهبری) و جزئی (ارتباطات فردی بین نیروی نظامی و فرد مربوط به سازمان بشردوستانه) تا حدی مورد غفلت واقع شده است. لذا ارائه آموزشهای استاندارد برای هر دو طرف سازمانهای نظامی و سازمانهای بشردوستانه جهت تعامل سازنده ضروری می‌نماید. پرسنل سازمانهای بشردوستانه نیاز به آموزش‌هایی شامل آشنایی با سبک‌های عملیات نظامی و اصطلاحات و دستورالعمل‌های عملیاتی متناسب با شرایط خاص یا سناریوها را دارند. نیروهای نظامی، با همکاری مقامات غیرنظامی مانند پلیس، آتش نشانی و ارائه دهندگان کمک‌های اولیه، باید برای برگزاری یک پاسخ موفق در هر فاجعه آماده باشند.

ایران در حوزه مخاطرات طبیعی جزو ۱۰ کشور با تعداد بالای بلایای طبیعی از جمله زلزله و سیل است و سیلاب سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ که در مناطقی از شمال، جنوب و غرب کشور رخ داد، با بیش از ۵۰ کشته و صدها مجروح، از مخرب‌ترین سیلابها در ۵۰ سال اخیر در ایران بوده است (۷).

ویرانی‌های سیلاب اخیر، نیاز ضروری به تنظیم یک سیستم جامع برای برنامه ریزی و هماهنگی بیشتر بین همه سازمانهای نظامی و غیرنظامی در بحران‌ها، را یادآور شد. همچنین، تصویب یک الگوی و برنامه مشترک برای به اشتراک گذاری اطلاعات و نیازها و ایجاد گروه‌های کاری در یک چارچوب منسجم برای کمک‌رسانی متمرکز و به دور از موازی‌کاری در عملیات‌های امداد رسانی را متذکر گردید. چرا که گاهی در امداد رسانی‌ها، عدم توجه به جزئیات اولویت‌های فوری و نیازهای حقیقی مورد غفلت واقع می‌شد. البته مشابه همین نقص در امریکا نیز در هنگام امداد رسانی در زلزله سال ۲۰۱۰ در هائیتی، گزارش شد که در آن، عدم دسترسی به اطلاعات مربوط به توانایی‌های خاص کشورهای داوطلب جهت کمک‌رسانی و همچنین عدم یافتن راهی برای مطابقت با مهمترین نیازهای هائیتی با نوع کمک‌هایی که کشورها قادر به ارائه آن بودند، عملیات امداد رسانی را مختل کرده بود (۶).

اگرچه سیلاب اخیر، ویرانی‌های بسیاری برجا گذاشت اما همدلی مردم و مسئولین را در اداره بحران بیش از پیش مشخص کرد. با این وجود نشان داد که چرخه مدیریت بحران (شش

غیرنظامی و نظامی یکی از بزرگترین چالش‌ها و ضرورتها می‌باشد. تفاوت در فرهنگ‌های کاری، اولویت‌ها و موقعیت‌های عملیاتی بین پرسنل نظامی و غیرنظامی می‌تواند تأثیرات مهمی در مدیریت اطلاعات داشته باشد که برای موفقیت یا شکست هرگونه عملیات امداد رسانی ضروری است. برای غلبه بر مشکلات هماهنگی، شبیه‌سازی و آموزش باید به صورت منظم انجام شود. در این زمینه، نهادهای بشردوستانه خود توجه رو به رشدی را به روابط بین جوامع نظامی و مدنی داشته و مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها جهت تعاملات سازنده در این زمینه را ارائه کرده‌اند. سازمانهای صلیب سرخ و هلال احمر بیان داشته‌اند که در عین برقراری تعامل با نیروهای نظامی در تمام سطوح، این سازمانها بایستی استقلال تصمیم‌گیری و عمل خود را داشته باشند. وزارت دفاع امریکا نیز در سال ۱۹۹۴، دستورالعمل معروف اسلو (Oslo) را ارائه داده که، بیان می‌دارد در حالی دخالت نیروهای نظامی داخلی بعنوان اولین گزینه در امداد رسانی مطرح است، که استفاده از منابع نظامی خارجی باید آخرین گزینه باشد. این دستورالعمل همچنین به وضوح مسئولیت اولیه دولت را برای تامین کمک‌های بشردوستانه در ایالت یا کشور آسیب دیده، تأیید می‌کند و اظهار می‌دارد که نیروهای نظامی و مدنی خارجی باید تکمیل کننده (و نه جایگزین) مکانیزم‌های امدادی موجود باشند. اختیارات دولتها در مورد استفاده از نیروهای نظامی خارجی نیز در این دستورالعمل پیش‌بینی شده‌است. به عنوان مثال، دولت اندونزی کمک‌های نیروهای نظامی خارجی را در بحران‌ها پذیرفته‌است، اما محدودیت ۹۰ روزه را برای استقرار آنها در خاک خود در نظر گرفته است (۵۶).

اگرچه ارائه و اجرای این دستورالعمل‌ها توانسته تا حدودی بر کارایی و کیفیت همکاری نیروهای نظامی و سازمانهای بشردوستانه در ارائه خدمات در بلایای طبیعی موثر باشد، با این وجود هنوز هم نقایص و کاستی‌هایی در این زمینه وجود دارد. بطوری که در پی زمین لرزه سال ۲۰۱۰ در هائیتی و فاجعه هسته‌ای در ژاپن، سازمان‌های نظامی و غیرنظامی از فقدان یک سیستم استاندارد برای همکاری در حین عملیات امداد رسانی اظهار ناراضی داشتند. طبق گزارش دیگری که در کالج نظامی ارتش ایالات متحده در پنسیلوانیا منتشر شده، ارتش امریکا "فاقد یک واکنش واضح، مؤثر و هماهنگ" در امداد رسانی طوفان کاترینا در سال ۲۰۰۵ بوده است، با این که امریکا، بعنوان کشور پیشرو در زمینه ارائه امداد رسانی در بلایای طبیعی در کشور خود و در کشورهای دیگر مطرح است، و پیشرفت‌های زیادی در توانایی ارتش در امداد رسانی‌های فجایع طبیعی داشته است، همچنان کاستی‌ها و نقایصی مشهود است (۵۶).

در ایران نیز، نقش سازمانهای نظامی به ویژه در سال‌های اخیر تغییر کرده، بخصوص اینکه بعنوان یکی از مهمترین و سریعترین سازمانهای پاسخ‌دهنده در زمان بحران، با توجه ویژه

نکته نهایی اینکه اگرچه بسیاری از کشورهای دنیا، حضور سازمان‌های بشردوستانه و نظامی خارجی را در کشور خود در هنگام بروز بلایای طبیعی پذیرفته‌اند اما برای این امر، قوانین و اصول خاصی را بویژه درباره مدت حضور و حیطه عملکرد ایشان وضع نموده‌اند و از همپوشانی و موازی کاری‌ها پرهیز می‌کنند (۱۶). شاید توجه به این امر بعنوان آخرین گزینه کمکی و نه جایگزین در امداد رسانی‌ها در بلایای طبیعی بایستی بیشتر مورد بررسی و توجه قرار گیرد.

مرحله: پیشگیری، کاهش، آمادگی، پاسخ (نجات و امداد)، توانبخشی و بازسازی (۸) در ایران نیاز به توجه اساسی دارد که این امر با همکاری سازمان‌های بشردوستانه، مردم، مسئولین و نیروهای نظامی میسر خواهد بود. آموزش‌های مردمی از طریق رسانه‌ها و هماهنگی‌های دقیق‌تر و تعیین اولویت‌های امداد رسانی و نیازها، در مدیریت بحران می‌تواند موثر باشد. فراموش نکنیم که بعد از وقوع بلایای طبیعی، علاوه بر جبران خسارات مادی رخ داده، سلامت روانی افراد و جامعه بیش از پیش، نیاز به توجه و حمایت دارد (۹).

منابع

- Harkin C. The 2004 Tsunami: Civil Military Aspects of the International Response. Tsunami Evaluation Coalition. 2005.
- Malish R, Oliver DE, Rush RM, Zarzabal E, Sigmon MJ, Burkle FM. Potential roles of military-specific response to natural disasters—analysis of the rapid deployment of a mobile surgical team to the 2007 Peruvian earthquake. *Prehospital and disaster medicine*. 2009;24(1):3-8.
- Jacquet GA, Obi CC, Chang MP, Bayram JD. Availability and diversity of training programs for responders to international disasters and complex humanitarian emergencies. *PLoS currents*. 2014;6.
- Pettit SJ, Beresford AK. Emergency relief logistics: an evaluation of military, non-military and composite response models. *International Journal of Logistics: Research and Applications*. 2005;8(4):313-31.
- Nishiyama Y. Disaster relief activities of the Japan self-defense force following the Great East Japan Earthquake. *Disaster medicine and public health preparedness*. 2014;8(3):194-8..
- Bollettino V. Civil-military engagement: an empirical account of humanitarian perceptions of civil-military coordination during the response to Typhoon Haiyan. *Disaster medicine and public health preparedness*. 2016;10(1):7-10.
- Seyedin H, Ryan J, Keshtgar M. Disaster management planning for health organizations in a developing country. *J Urban Plann Dev*. 2010; 137:77–81.
- Moosazadeh, Zolala, Sheikhzadeh, Safiri, Amiresmaili. A review of health managers' experiences with challenges of aiding in Bam earthquake: A qualitative study. *J Mil Med*. 2013; 15(3):225-232.
- Nobakht HN, Ojagh FS, Dale KY. Risk factors of post-traumatic stress among survivors of the 2017 Iran earthquake: the importance of peritraumatic dissociation. *Psychiatry research*. 2019;271:702-7.